

جریان‌شناسی انجمن حجتیه

ابوالفضل صدقی*

◆ چکیده

روحانیان در جامعه ایران، به ویژه از هنگام تحریم استعمال توتون و تنباکو، نقش و جایگاه ارزنده‌ای داشته‌اند. آنان همواره تلاش کرده‌اند تا در برابر حکومت‌های ستمگر و نفوذ استعمار بایستند و مانع اجرای اهداف شوم و غارتگرانه بیگانگان شوند. از این رو، استعمارگران نیز بیکار ننشسته و برای اینکه جلو روحانیان را بگیرند، از راه دین وارد شدند. یکی از این راه‌ها، فرقه‌سازی و تفرقه‌افکنی میان مسلمانان بوده و هست.

انجمن حجتیه را نیز برخی ساخته دست استعمار می‌دانند و برخی دیگر، آن را برآیند توطئه استعمار در آفرینش بهائیت دانسته‌اند. هنگامی که مردم ایران درگیر مبارزه با ظلم شاه بودند، اعضای این انجمن، وقتشان را صرف راهنمایی بهائیان می‌کردند و خودشان را از جریان انقلاب دور نگاه می‌داشتند.

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و مدیر گروه تاریخ و روابط خارجی مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

این مقاله در نظر دارد فعالیت‌های انجمن حجتیه را پیش و پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد و واکنش امام خمینی را در برابر این جریان بازگو کند.
واژگان کلیدی: انجمن حجتیه، بهائیت، کمونیسیم، انقلاب اسلامی، امام خمینی.



اسلام در تاریخ معاصر ایران نقش مهمی در صحنه سیاسی ایران داشته است. حکم تحریم استعمال تنباکو و توتون توسط میرزای شیرازی که این قرارداد بیش از ۵۴ روز دوام نیاورد و تحت فشار علما، شاه بالاجبار قرارداد را لغو کرد. نقش بی‌بدیل روحانیت شیعه در انقلاب مشروطیت که عمل به اسلام و اجرای عدالت را خواستار بودند، خشم استبداد و استعمار را برانگیخت. بی‌تردید بدون حضور علمای شیعه، بسیج مردم جهت مقابله با استعمار و استبداد به سرانجام نمی‌رسید و اگر در پایان هم به استیلا رضاخانی ختم شد به دلیل آن بود که علما و روحانیان را کنار گذاشتند و شیخ فضل‌الله نوری، اعلم علمای تهران را به شهادت رسانیدند.^۱ سلطه تاریخی بیگانگان در ایران و وابسته دانستن رضاشاه به این سلطه توسط نیروهای مذهبی و اشغال ایران توسط متفقین موجی از احساسات ضدبیگانه را در ایران به ویژه بین قشرهای مذهبی به وجود آورد. روحانیت سیاسی با نمایندگی آیت‌الله کاشانی توانست این احساسات را به یک حرکت ضداستعماری تبدیل کند. این حرکت خصوصا استعمار انگلیس را که نزدیک به نیم‌قرن نخایر ملی ایران را به یغما می‌برد، هدف قرار داد. فتوای پی در پی مراجع و علما، بسیج توده‌های مذهبی توسط آیت‌الله کاشانی، عملیات کوبنده فداییان اسلام، مهم‌ترین نقش را در نهضت ملی شدن نفت ایفا کرد.^۲ و بالاخره نهضتی که امام خمینی(س) در

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: روح‌الله حسینیان، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه (تهران:

انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲) یا آدرس اینترنتی مرکز اسناد انقلاب اسلامی www.irdc.ir.

۲. برای مطالعه بیشتر نک: روح‌الله حسینیان، بازخوانی نهضت ملی ایران، (سال ۸۵) و بیست سال تکاپوی اسلام

شیعی در ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰) (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴).

سال ۱۳۴۱ آغاز کرد و در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید و به یک انقلاب تمام‌عیار تبدیل شد، موجب گردید که در سال ۱۳۵۷ مردم ایران، شهری و روستایی، طبقه متوسط و مستضعف، دانشگاهی و حوزوی، کارگر و کشاورز، بازاری و کارمند، مرد و زن، پسر و دختر، پیر و جوان و همه اقشار ایران به ندای امام خمینی(س) پاسخ گویند و یک پارچه شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را فریاد زنند.^۱ استعمار برای در هم پاشیدن و متلاشی کردن حوزه‌های دینی و مرجعیت مذهبی غیر از ایجاد احساس تنفر و حقارت نسبت به ارزش‌های فرهنگی و دینی، و ضد ترقی و پیشرفت جلوه دادن سنت‌ها و شعائر دینی به مهم‌ترین عملی که دست یازید، به وجود آوردن حساسیت‌های داخلی و جنگ‌های زرگری و اختلافات فرقه‌ای شدید بود تا با مشغول کردن اذهان مردم به مسائل انحرافی، آنها را از دشمن و خطر توطئه‌اش غافل سازند. از طرف دیگر، استعمارگران برای تضعیف نفوذ و از بین بردن رهبران و روحانیان متعهد و آگاه درصدد برآمدند که جهت مقابله با اینان، رهبران و سردمداران روحانی‌نما را روی کار بیاورند و تلاش کردند با ساختن فرقه‌ها و مسلک‌های قلابی و استعماری از یک طرف حکومت‌ها و رژیم‌های دست‌نشانده خود را سرپا نگه دارند و از طرف دیگر با ایجاد تفرقه و چند دستگی بین مسلمین، اساس فکری و مذهبی آنان را ضعیف و سست کنند تا ذهن، فکر و اندیشه مردم به خصوص جوانان این جوامع مذهبی را از سیاست و حکومت و دخالت در اداره مملکت دور نگه دارند به طوری که دخالت دین و مذهب در امور سیاست و اداره مملکت امری مکروه و حتی حرام نشان داده شد تا بیشتر و آسوده‌تر بتوانند بر مقدرات این کشورها حاکم و از منابع و ذخایر این کشورها منافع خود را تأمین کنند.^۲ حتی اگر انجمن حجتیه ساخته و پرداخته استعمار و استبداد نباشد اما عملاً در جهت منافع آنها

۱. برای مطالعه بیشتر این نهضت بزرگ نک: روح‌الله حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (۵۶)

- (۱۳۴۳) (تهران: انتشاران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳).

۲. محمدرضا اخگری، ولایتی‌های بی‌ولایت (بی‌جا: پرچم، ۱۳۶۷)، ص ۷ و ۸.

حرکت کرده است. با توجه به ندای امام خمینی(س) در خصوص خطر مقدس‌نماهای بی‌شعور و طرفداران جدایی دین از سیاست و با توجه به اینکه هم‌اکنون نظام سلطه جهانی تلاش می‌کند با کمک این مقدس‌نماهای متحجر، علاوه بر گسترش اندیشه جدایی دین از سیاست، اختلافات مذهبی را دامن بزند و نیز با توجه به این که مراکز قدرت شیطانی تلاش می‌کنند به فرزندان راستین خمینی کبیر و یاوران خامنه‌ای عزیز، به دلیل عشق به امام زمان(عج) انگ انجمنی بزنند لازم است به کالبدشکافی این جریان بپردازیم. لذا در این مقاله سعی داریم به سئوالات زیر پاسخ گوئیم:

۱. انجمن حجتیه چگونه شکل گرفت و چه عملکردی داشت؟
۲. ابعاد فکری و اعتقادی انجمن حجتیه چیست؟
۳. آخرین تحرکات انجمن حجتیه چه بود؟
۴. آیا دولت نهم دنباله‌رو انجمن حجتیه است؟

◆ شکل‌گیری انجمن حجتیه

نام کامل انجمن حجتیه که به انجمن ضدبهائیت نیز مشهور بوده، «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» است. این انجمن مقارن با کودتای امریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأسیس شد. مؤسس این گروه آقای شیخ محمود ذاکرزاده تولایی است که به نام شیخ محمود حلبی شناخته شده بود. وی تا پیش از کودتا هر روز برنامه‌های سخنرانی در رادیو مشهد داشت.^۱

در خصوص علت و هدف تشکیل انجمن نظرات مختلفی وجود دارد. برخی براین عقیده‌اند که در سال‌های پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که تبلیغات وسیعی برای انحراف افکار عمومی توسط بهائیت به ویژه علیه روحانیت و حوزه‌ها راه افتاد آقای حلبی که در حوزه مشهد درس می‌خواند و استاد وی میرزا مهدی اصفهانی بود - که علاقه خاصی به امام زمان(عج) داشته -

۱. ع. باقی، در شناخت حزب قاعدین زمان (تهران: نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۲)، ص ۲۹.

به همراه طلبه دیگری به نام سید عباس علوی توسط یک مبلغ بهائی به بهائیت دعوت می‌شوند. این افراد چند ماهی از وقت خود را برای مطالعه بهائیت صرف می‌کنند. امام سید عباس علوی به خاطر زمینه‌های دنیوی و شهوانی که احتمالاً بهائیت در اختیارش می‌گذارد می‌لغزد و بهائی می‌شود و به عنوان یکی از مبلغان بزرگ بهائیت کتاب‌هایی هم در اثبات آن می‌نویسد. آقای حلبی با مشاهده این مسئله بهائیت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد و با برقراری تماس با افراد گول خورده از بهائیت، به جلسات تبلیغی آنان راه یافته، با آنها به مناظره و مباحثه می‌پردازد. سپس آقای حلبی به تهران آمده و جذب نیرو می‌کند و اطلاعات و تجربیات خود را منتقل می‌نماید. چون بهائیت مثل مساجد ما علنی و با پرچم فعالیت می‌کردند و خطر آنها نزد علما منعکس شده بود، پس از یک سری موفقیت‌ها، آقای حلبی و دوستانش مورد حمایت علما قرار گرفتند و علما اجازه استفاده از سهم امام را نیز به آنها دادند.^۱

نظر دومی که در خصوص تشکیل انجمن وجود دارد مربوط به خود انجمنی‌ها است. آنها معتقدند آقای حلبی رئیس انجمن مدعی شده که در سال‌های ۳۲ خواب دیده است که امام زمان به وی امر فرموده‌اند که گروهی را برای مبارزه با بهائیت تشکیل بدهد. نظر دیگر حاکی از آن است که پس از بروز اختلاف بین آیت‌الله کاشانی و مصدق و شکست نهضت ملی نفت، همزمان تبلیغات بهائیت

◆

انجمن برخلاف حرکت اسلام سیاسی و انقلابی حرکت کرده و با جدایی دین از سیاست نیروی خود را مصروف عوامل فرعی کرده است و از مبارزه با اصل و ریشه فساد غافل ماند و به همین جهت مورد استقبال دربار قرار گرفت.

نضج گرفت و گروهی را که در بینشان طلبه نیز بود از جمله هم‌حجره‌ای آقای حلبی را جذب

کردند. لذا بهائیت در ذهن شیخ محمود حلبی بزرگ جلوه‌گر شد و به این نتیجه رسید که باید سیاست را ول کرد و دست به انجام اقدامات فرهنگی زد. به علت شکست نهضت نوعی یأس بر جامعه حاکم شد و عده‌ای که به دنبال جریانی می‌گشتند تا با وصل شدن به آن، یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیکی و سیاسی کنند، به این جریان پیوستند. گروهی دیگر برآنند که استعمار همواره یک قسمت از سیاست‌هایش فرقه‌سازی بوده و برای مطرح کردن، بالا کشیدن و رشد دادن آن فرقه دست به ایجاد یک ضدفرقه نیز می‌زده است و مسئله انجمن بهائیت و انجمن ضدبهائیت نیز مضمون این سیاست می‌باشد.^۱

گذشته از علت شکل‌گیری انجمن حجتیه آنچه که با قاطعیت می‌توان گفت این است که انجمن برخلاف حرکت اسلام سیاسی و انقلابی حرکت کرده و با جدایی دین از سیاست نیروی خود را مصروف عوامل فرعی کرده است و از مبارزه با اصل و ریشه فساد غافل ماند و به همین جهت مورد استقبال دربار قرار گرفت.

به هر ترتیب آقای حلبی به تشکیلات خود رسمیت داد و نهایتاً در سال ۱۳۳۶ آن را به نام انجمن حجتیه مهدویه به ثبت رساند. این انجمن دارای یک هیئت مدیره بود که فعالیت‌های انجمن زیر نظر این هیئت مدیره انجام می‌گرفت. شیخ محمود حلبی ریاست هیئت مدیره را بر عهده داشت و اعضای این هیئت مدیره عبارت بودند از:

حاج سید رضا رسول، سید حسن سجاید، محمدحسین غلامحسین، حاج محمدتقی تاجر.^۲
 اساس‌نامه انجمن دارای یک فصل، دو ماده، هشت بند و دو تبصره بود؛^۳ تبصره یک عبارت است از اینکه، هدف انجمن تا ظهور قائم موعود غیر قابل تغییر است. در تبصره دو آمده است: «انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را

۱. همان، ص ۳۱.

۲. محمد حیاتی، تاریخچه شکل‌گیری انجمن حجتیه در: www.nasirbousher.com.

۳. ضمیمه ش ۱.

که در زمینه سیاسی که از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد بر عهده نخواهد داشت.^۱ انجمن حجّتیّه به زودی موفق شد که در اکثر شهرهای ایران گروه‌هایی را سازمان بدهد و از تهران فعالیت آنها را هدایت کند. از آنجا که هر نوع فعالیت سیاسی از طرف اعضای انجمن ممنوع بود عملاً حمایت دستگاه امنیتی دوره حکومت محمدرضا شاه را به خود جلب کرده بودند. آقا علی‌اکبر پرورش از فعالان اولیه و سابق انجمن حجّتیّه می‌گوید: «از برادران و خواهران انجمن نوشته می‌گرفتند که در امور سیاسی دخالت نکنند و انجمن شدیداً از درگیر شدن با مسائل سیاسی اجتناب می‌کرد.» به دلیل گرفتن تعهد کتبی مبنی بر عدم مبارزه و عدم دخالت در امور سیاسی از اعضا بود که انجمن، نه تنها کوچک‌ترین تهدیدی از جانب رژیم منحوس پهلوی نشد بلکه بعضاً مورد حمایت آنان نیز قرار گرفت. از طرف دیگر چون متظاهر به مذهب و مطیع مرجعیت هم بود نزد روحانیان هم توانست مشروعیت لازم جهت حمایت را کسب کند.^۲ حد اعتماد دستگاه امنیت رژیم شاه به آقای حلبی در سند زیر آشکار می‌شود.



به دلیل گرفتن تعهد کتبی مبنی بر عدم مبارزه و عدم دخالت در امور سیاسی از اعضا بود که انجمن، نه تنها کوچک‌ترین تهدیدی از جانب رژیم منحوس پهلوی نشد بلکه بعضاً مورد حمایت آنان نیز قرار گرفت.

رئیس واحد اطلاعات دستگاه امنیت دستور می‌دهد که هر اقدام نسبت به گروه حجّتیّه با نظر آقای حلبی باشد:
پیرو نامه شماره ۱۲۵۲۵/۲۰۱۷۱ -
۳۶/۱/۱۷ سازمان اطلاعات و امنیت تهران خواهشمند است دستور فرمایید از هر گونه اقدام و نظراتی که نسبت به اعضای پنج نفر یادشدگان در نامه پیروی مذکور به عمل خواهند آورد. این واحد را نیز

آگاه سازند. ضمناً چون تجمع نامبردگان جنبه ضدیت با مسلک بهائی را دارد و برابر اطلاع حاج شیخ محمود ذاکرزاده تولایی معروف به حلبی از گردانندگان این جلسه با بخش ۲۱ سازمان اطلاعات و امنیت تهران همکاری‌هایی دارد اصلاح است هرگونه اطلاعی در مورد جلسه متشکله را قبل از احضار بقیه از مشارالیه استفسار نمایند. ح

رئیس واحد اطلاعاتی کمیته مشترک ضد خرابکاری، ناصری ۳۶/۱/۲۳^۱

با این سند، همکاری دستگاه امنیت ایران و گروه حجتیه به خوبی آشکار می‌شود. سند دیگری که در زیر ذکر می‌شود گویای آن است که هرگاه افرادی، از روی بی‌اطلاعی از روابط انجمن با دستگاه امنیت اقداماتی علیه برخی از فعالان حجتیه انجام داده‌اند مورد توبیخ دستگاه امنیت و رئیس آن قرار می‌گیرند:

درباره شیخ محمود تولایی برابر اظهار نامبرده بالا آقای محمود صالحی نماینده انجمن مباحثه و ارشاد بهائیان به دین اسلام از طریق آن ساواک احضار و توضیحاتی در مورد انجمن مذکور از وی خواسته شده و با آنکه مشارالیه صراحتاً اعتراف نموده که کلیه سوابق امر توسط گردانندگان انجمن در مرکز در اختیار ساواک قرار گرفته معهداً مرتباً به عناوین مختلف اظهار و مورد بازرسی قرار گرفته است. خواهشمند است دستور فرمایید چگونگی و علت احضار نماینده انجمن فوق‌الذکر را اعلام دارد.

مدیر کل اداره سوم، مقدم^۲

اسناد فوق نشان می‌دهد که تا چه اندازه روابط انجمن با دستگاه امنیتی شاه نزدیک بوده است. بدون تردید اگر آنها کوچک‌ترین خطری احساس می‌کردند با شدت با انجمن حجتیه برخورد می‌کردند در صورتی که دستگاه امنیتی خود به حمایت و تشویق آنها پرداخته است. علی‌اکبر پرورش درباره عکس‌العمل دستگاه امنیت از استعفای خود از انجمن حجتیه می‌گوید: وقتی ساواک متوجه شده بود که من از انجمن کنار رفته‌ام همین نادری [از مسئولان

۱. ضمیمه ش ۲.

۲. ضمیمه ش ۳.

عالی‌رتبه دستگاه امنیت] ملعون ما را خواست و خیلی فحاشی کرد و گفت چرا دیگر در

انجمن نیستی^۱

دستگاه امنیتی می‌دید افراد مذهبی که از انجمن جدا می‌شوند به سوی نیروهای انقلابی و ضد رژیم می‌روند، لذا انجمن محلی برای جذب نیروهای مذهبی بود.

◆ عملکرد انجمن حجّتیّه قبل از انقلاب

طرح مسائل انحرافی و خرافات یکی از مهم‌ترین عملکردهای انجمن حجّتیّه، قبل از انقلاب است. مهم‌ترین و آشکارترین فعالیت انجمن، قبل از انقلاب، مبارزه با بهائیت بود. مبارزه با بهائیت فلسفه وجودی انجمن را شکل می‌داد؛ این مبارزه تنها در بعد فکری، انجام می‌گرفت و انجمن وارد فاز سیاسی و اقتصادی نمی‌شد. در حالی که بهائیت یک پدیده کاملاً سیاسی و شبه‌جاسوسی بود و متقابلاً یکی از راه‌های مبارزه با آن، برخورد سیاسی بود. از آنجا که انجمن سیاست را نفی می‌کرد با این ویژگی بهائیت درگیر نشد و فقط از پایگاه ایدئولوژیک به نقادی آن می‌پرداخت. به همین خاطر هنگامی که با هویدا نخست‌وزیر معدوم شاه، دکتر ایادی، دکتر ثابتی، یا هژبر یزدانی‌ها و غیره که از مسئولان و متنفذان حکومت استبداد بودند برخورد می‌کرد، با وجودی که بهائی بودند، انجمن ضدبهائی باز هم به دیده بی‌تفاوتی به آنان می‌نگریست زیرا درگیری با آنان اگر چه بهائی بودند جنبه سیاسی پیدا می‌کرد نه ایدئولوژیک و چون انجمن باید تنها با مبلغان بهائیت به مبارزه برمی‌خاست دیگر کاری به کار آنها نداشت.^۲ شهید رجایی می‌فرماید: «آن موقعی که برادران و خواهران‌مان زیر شکنجه فریاد می‌کشیدند اینها می‌رفتند ثابت کنند که بهائیت بر حق است یا باطل و دقیقاً در مقابل مبارزه

۱. همان، ص ۵۲ و ۵۳.

۲. باقی، همان، ص ۳۲ و ۳۳.

قرار می‌گرفتند.^۱ استاد شهید هاشمی‌نژاد در این رابطه می‌فرماید:

تعدادی از رهبرانشان (رهبران انجمن حجتیه) چنان بهائیت را بزرگ می‌کردند که انگار در این مملکت خطر بهائیت است. در حالی که ما معتقد بودیم یعنی خط انقلاب معتقد بود که بهائیت شاخه‌ای از شاخه‌های استعمار، معلولی است ما باید سراغ علت برویم.^۲

در واقع، عملکرد انجمن حجتیه در راه مبارزه ایدئولوژیک با بهائیت همان طور که گفته شد در خدمت اهداف رژیم شاه بود. رژیم قصد داشت از یک طرف با ترویج ابزار شیطانی و شهوانی، جوانان این مرز و بوم را سرگرم کند و از طرف دیگر با تقویت جریان‌های غیرسیاسی و بی‌خطر همچون انجمن حجتیه، فکر جوانان مذهبی را از مبارزه با رژیم فاسد شاه به مبارزه فکری و ایدئولوژیک با گروه‌هایی همچون بهائیت سوق دهد. انجمنی‌ها مسئله بهائیت را آن قدر مهم جلوه دادند که حتی در مبارزه امام خمینی(س) با رژیم شاه شرکت نکردند و در ضمن چون این حرکت را نشئت گرفته از فتوای مرجع انجمن (آیت‌الله خویی) می‌دانستند از نظر شرعی نیز اشکالی در کار خود نمی‌دیدند. رهبران انجمن حتی با مشاهده سیل عظیم جمعیت مسلمانان در مقابله با نظام ستمشاهی و حمایت روحانیان معظم از آنها، حاضر نشدند که به امامت مرجع کبیر شیعیان تن بدهند و قیام مردم را با عباراتی مثل «وزوز پشه را چه به فانتوم» به استهزا می‌گرفتند و می‌گفتند: «مشت بر درفش چه می‌تواند بکند» یا امام را مسخره کرده و اظهار می‌کردند که «یک خودکاری در دستش گرفته و یک اعلامیه‌ای نوشته می‌خواهد امریکا را شکست بدهد».^۳

انجمن قبل از انقلاب اسلامی نیروهای جوانی را که می‌توانستند در امر مبارزه مؤثر باشند نه تنها به جریان انحرافی می‌انداخت و از مسیر نهضت دور نگه می‌داشت بلکه در سخنرانی‌ها هم در منکوب کردن مبارزان اقدام می‌کرد چنانکه حلبی در یکی از سخنرانی‌هایش گفت:

۱. روزنامه جمهوری اسلامی (۲۹/خرداد/۱۳۶۱).

۲. به نقل از: باقی، همان، ص ۳۴.

۳. مصاحبه اختصاصی با آیت‌الله خزعلی، به نقل از: باقی، همان، ص ۵۸.

چندی است تحریص می‌کنند. ولی چه از آب درمی‌آورند؟ چریک. چی از آب درمی‌آورند؟ مفسده خرابکار، موزی به اجتماع، مضر به نظام، تشویق می‌کنند اما یک جور تشویق می‌کنند که آنی که به عمل می‌آید، بر ضرر تمام می‌شود، چون طبق اسلام تشویق نمی‌شوند.^۱

یعنی در واقع همان تهمت‌هایی که رژیم طاغوت به مخالفان خود نسبت می‌داد. اینها هم همان را طوطی‌وار تکرار می‌کردند. امام امت می‌فرمایند:

از بس اجانب و عملشان به گوش ما خوانده‌اند که: آقا برو سراغ کارت، سراغ مدرسه و درس و تحصیل، به این کارها چکار دارید؟ این کارها از شما بر نمی‌آید. ما هم باورمان آمده که کاری از ما نمی‌آید و اکنون من نمی‌توانم این تبلیغات سوء را از گوش بعضی بیرون کنم.^۲

مبارزه با بهائیت فلسفه وجودی انجمن را شکل می‌داد؛ این مبارزه تنها در بعد فکری، انجام می‌گرفت و انجمن وارد فاز سیاسی و اقتصادی نمی‌شد. در حالی که بهائیت یک پدیده کاملاً سیاسی و شبه‌جاسوسی بود و متقابلاً یکی از راه‌های مبارزه با آن، برخورد سیاسی بود.

جدا از پرداختن انجمن به مسئله بهائیت به مثابه یک مشکل اصلی، یکی دیگر از اهداف انجمن، مسئله‌ای اهل تسنن بود؛ آنها برای ایجاد دافعه نسبت به آنان برنامه‌ریزی می‌کردند و این هم به طور دقیق همان جاده‌ای بود که استعمار ترسیم کرده بود. از موضوعات مهم سخنرانی‌های سرپرست انجمن، تبیین قدرت جسمانی امام علی(ع) و میزان تیزی و برندگی ایشان بود و اینکه امام یک تنه حریف جمعیت عظیمی بود و با هر فریاد الله اکبر یک تن را به زمین می‌انداخت. انجمنی‌ها از سنخ مروجان آن عقیده بودند که تمام فضایل امیرالمؤمنین را در

۱. سخنرانی تحت عنوان: نظام، جهاد، حکومت اسلامی، به نقل از: اخگری، همان، ص ۵۴ و ۵۵.

۲. کتاب ولایت فقیه، ص ۱۶۷.

شجاعت و شمشیر و شمشیرزنی او خلاصه ساخته بودند و تمثالی از حضرت می‌آفریدند که در معیت شمشیری بلند در کنار شیر پر یال و کوپالی ایستاده بودند: بدین معنا که حضرت در شجاعت و قدرت همچون شیر است.^۱

◆ مبارزه با پپسی کولا

انجمنی‌ها مسئله بهائیت را آن قدر مهم جلوه دادند که حتی در مبارزه امام خمینی(س) با رژیم شاه شرکت نکردند و در ضمن چون این حرکت را نشئت گرفته از فتوای مرجع انجمن (آیت‌الله خویی) می‌دانستند از نظر شرعی نیز اشکالی در کار خود نمی‌دیدند.

یکی دیگر از فعالیت‌های انجمن مبارزه با پپسی کولا بود. انجمن پپسی را مذموم و تحریم شده می‌شمرد و از این رو، برخی آشامیدن آن را حرام دانسته اعضای خود را بسیج کردند تا با مغازه‌داران تماس بگیرند و آنان را با روش تشویق و تهدید از فروش این نوشابه منع کنند. هنگامی که فعالیت آنها روی یک مغازدار کارگر می‌افتاد آن را یک پیروزی و فتح تلقی می‌نمودند. چرا به جای شاه، امریکا، شیوع فحشا، معاملات

ربوی بانک‌ها و هیئت‌های مستشاری امریکا در ایران و به جای پایگاه‌های جاسوسی استراق سمع امریکا در ایران و حق توحشی که امریکایی‌ها از دولت ایران می‌گرفتند با پپسی مبارزه می‌کردند؟ زیرا صاحب و امتیازدار کارخانه آن ثابت پاسال، بهائی بود، لیکن انجمن، ثابت پاسال و دیگر سرکردگان و زمامداران بهائیت را رها کرده و با یک شی بی‌زبان درافتاده بود.

۱. محمد توکل، «بازار سنتی ایران در سه دوره»، در: www.meisami.com به نقل از: علیاناسب و سلمان

علوی‌نیک، جریان‌شناسی انجمن حجّیه (قم: زلال کوثر، ۱۳۸۵)، ص ۲۲.

در حرمت شرب پبسی که از ناحیه علمای وقت صادر گردیده بود بحثی نیست سخن در اصلی نمودن مبارزه با پبسی است به نحوی که انگار حکم حرمت صرفاً بر آن نوشابه جاری بود و دیگر مظاهر و مفاصد سیاست مباح بود که اینچنین به فرعیات می‌پرداختند و نسبت به سرچشمه‌ای که آب از آن گل‌آلوده بود عامداً و عالماً غفلت می‌ورزیدند.^۱

◆ انجمن و قیام ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد آغازگر نهضت امام خمینی(س) علیه رژیم طاغوتی شاه بود که هزاران نفر در آن به شهادت رسیدند. در حالی که امت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی(س) مبارزه جدی علیه رژیم فاسد شاه را آغاز کرده بودند رهبر انجمن حجّیه، امام را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد که چه کسی مسئول این همه خون‌های به هدر رفته است؟ وی در یک سخنرانی در مدرسه مروی، امام را مسئول ریختن خون جوانان در ۱۵ خرداد دانست و با تعبیرهای تند و حرکت اسلامی را محکوم نمود^۲ جالب آن است که شاه هم همین سؤال را مطرح کرده بود که این خون‌های ریخته شده به گردن کیست؟

امام خمینی(س) نیز در جایی فرمودند که مسئول ریختن خون جوانان در ۱۵ خرداد همان کسی است که مسئول خون شهدای قیام امام حسین(ع) است (نقل به مضمون).^۳ آقای طیب از مسئولان سابق انجمن که پس از انقلاب خود را از انجمن خارج کرد می‌گوید:

از ابتدای این نهضت و از گذشته‌های دور این نهضت، آقای طبیبی با ناباوری با آن برخورد می‌کرد و معتقد بود که نمی‌شود با رژیم تا دندان مسلح شاه مبارزه کرد و عقیده داشت کسانی که به این راه کشیده می‌شوند خونشان را هدر می‌دهند و کسانی

۱. باقی، همان، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. همان، ص ۴۳.

که افراد را به این راه می‌کشانند مسئول این خون‌ها هستند و معتقد بودند که کار صحیح فعالیت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک است نه مبارزه علیه رژیم.^۱

بدین ترتیب انجمن حجّیه در قیام ۱۵ خرداد در کنار استعمار و شاه قرار گرفت و همصدا با حزب توده، بهائیت و جبهه ملی این قیام را محکوم کرد.

و اما امام این پیشوای الهی، پیش از روز ۱۵ خرداد چنین فرموده بودند که «اسلام در معرض خطر است» و به مناسبت احیای کاپیتولاسیون در یک نطق آتشین فرمودند:

من اعلام خطر می‌کنم... این آقایانی که می‌گویند باید خفه شد و دم نیاورد، آیا در این مورد هم می‌گویند باید خفه شد؟ در اینجا هم ساکت باشیم و دم نیاوریم؟ ما را بفروشند و ما ساکت باشیم، استقلال ما را بفروشند و ما ساکت باشیم والله گنهگار است کسی که داد نزدند والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نزنند... امروز تمام گرفتاری ما از امریکاست تمام گرفتاری ما از اسرائیل است، اسرائیل هم از امریکاست. این وکلا هم از امریکا هستند این وزراء هم از امریکا هستند، هم دست نشانده امریکا هستند.^۲

و در همان زمان‌ها بود که امام تقیه را نیز حرام کردند. در حالی که انجمن حجّیه در طول سال‌های بعد از ۱۵ خرداد نیز همان روش دوری از سیاست و عدم مبارزه با رژیم شاه را دنبال می‌کرد و از دشمنان اصلی غفلت می‌ورزید.

به همین جهت همواره مورد حمایت ساواک و رژیم شاه قرار داشت. در حالی که رژیم شاه کوچک‌ترین حرکت نیروهای انقلاب را خفه می‌کرد انجمن در تمديد اعتبار پروانه فعالیت خود با مشکلی روبه‌رو نبود. در واقع انجمن حجّیه به جناح مذهبی حکومت بدل شده بود و مأموران از جلسات آنها محافظت می‌کردند.

۱. همان، صبح آزادگان، ش ۵۹۲ (۲۷/بهمن/۱۳۶۰).

۲. سخنرانی امام پس از آزادی از زندان در ۴ آبان ۱۳۴۳، به مناسبت احیای کاپیتولاسیون به نقل از: باقی، همان،

◆ موضع‌گیری انجمن در سال‌های ۵۶ و ۵۷

با اوج‌گیری حرکت اسلامی در سال‌های ۵۶ - ۵۷ به رهبری امام خمینی(س) و با کمک روحانیان و علمای مجاهد، انجمن در یک بن‌بست گیر کرد و برخی نیروهای درون انجمن نیز انجمن را برای پیوستن به نهضت اسلامی زیر فشار قرار دادند، اما انجمن حتی بیانیه‌ای هم در پشتیبانی از تظاهرات‌های انقلابی صادر نکرد و به سبب همراه نشدن با حرکت مردم، انجمن با یک فروپاشی تشکیلاتی مواجه گردید، چون بدنه اصلی انجمن به انقلاب پیوسته بود.^۱

انجمن برای حفظ موجودیت تشکیلاتی بر سر دوراهی شرکت یا عدم شرکت در انقلاب اسلامی قرار گرفت و کماکان به شیوه گذشته، برای فرو نشانیدن جو داخل و خارج انجمن نسبت به خودش، دست به اقدام ضدانگیزه‌ای زده و طی ارسال نامه‌هایی به برخی مراجع ابتدا آمار و بیلان کاری از انجمن را ارائه داد و یادآوری کرد که ما در طول فعالیت‌های فرهنگی مان تعدادی از بهائیان را مسلمان کرده‌ایم، این تعداد مسیحی اسلام

جدا از پرداختن انجمن به مسئله بهائیت به مثابه یک مشکل اصلی، یکی دیگر از اهداف انجمن، مسئله‌ای اهل تسنن بود؛ آنها برای ایجاد دافعه نسبت به آنان برنامه‌ریزی می‌کردند و این هم به طور دقیق همان جاده‌ای بود که استعمار ترسیم کرده بود.

آورده‌اند و این تعداد از جوانان لابی‌بالی را به محفل فعالیت‌های اسلامی کشانده‌ایم و افزود که این ثمره و محصول فعالیت‌های فرهنگی انجمن بوده و اگر در امور سیاسی دخالت می‌کردیم به این توفیقات و نتایج نمی‌رسیدیم، اینک با توجه به این که شرکت در تظاهرات و امور سیاسی منجر به از هم پاشیدن انجمن می‌گردد و حرکت‌هایی در انحصار یک عده از روحانیان

۱. مصاحبه با دکتر محمدرضا سیاهی ۸۵/۱/۱۹، به نقل از: علیانسنب و علوی‌نیک، همان، ص ۲۵.

آغاز شده تکلیف شرعی ما را بیان فرمایید.^۱ لذا انجمن مبارزه با بهائیت را بهانه قرار داده، در انقلاب شرکت نکرد و حتی پیروزی انقلاب را غیرممکن می‌دانست. مهندس طیب یکی از مسئولان سابق و جدا شده از انجمن نیز در این باره می‌گوید: «در جریان مبارزه و انقلاب، خود آقای حلبی قضاوتشان این بود که این انقلاب، چون رژیم مسلح است و ارتش دارد و مردم سازمان و سلاح ندارند به پیروزی نمی‌رسد».^۲

با توجه به همین تفکر با روند انقلاب به مخالفت برخاستند و در جریان مخالف حرکت رهبری انقلاب، حرکت می‌کردند. به طور مثال، در نیمه شعبان سال ۱۳۵۷ حضرت امام خمینی(س) فرمان دادند که:

اکنون لازم است در این اعیادی که در سلطنت این دودمان ستمگر برای ما عزا شده است بدون هیچ گونه تشریفات که نشانگر عید و شادمانی باشد، در تمام ایران، در مراکز عمومی مثلا مسجد بزرگ، اجتماعات عظیم برپا کند و گویندگان شجاع، محترم مصایب وارده بر ملت را به گوش شنوندگان برسانند^۳

در حالی که رژیم ستمشاهی برای مقابله با فرمان امام خمینی(س) کوشش‌های فراوانی برای برگزاری جشن‌های نیمه شعبان مبذول می‌داشت، انجمن حجّتیّه هم همراه با رژیم در مقابل فرمان امام ایستاد و در تهران و شهرستان‌ها جشن‌های دلخواه خود را برگزار کرد و برای این که پاسخی برای عمل خود داشته باشند هیئتی را به سرپرستی حسین تاجری، از مسئولان انجمن، نزد شریعتمدای فرستاده و از وی کسب تکلیف کرده بودند این در حالی بود که شریعتمداری خود مهره قابل اعتماد رژیم به شمار می‌رفت. وی در گفتگوی خود با مقامات ساواک در شب ۱۳۵۷/۷/۱ که به شماره ۳۱۲/۷۴۰۴ مورخ ۵۷/۷/۲ در بولتن چهاربرگی ساواک موجود است گفته بود:

۱. باقی، همان، ص ۵۷.

۲. روزنامه صبح آزادگان، ش ۵۹۱، (۱۳۶۰/۷/۲۶).

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۲۷.

سلام مرا به پیشگاه اعلیحضرت برسانید و به عرض برسانید که اعلیحضرت اطمینان داشته باشند. همان مشکلاتی که امروز ایشان دارند، ما هم داریم... یکی از پایگاه‌های مخالف با رژیم سلطنتی ایران نجف است که من صددرصد با این پایگاه مخالفم. من برای حفظ مملکت، دیانت و سلطنت فکر می‌کنم... من معتقد به آزادی همه زندانیان نیستم آنهایی را که اطمینان دارید بعد از آزادی تحریکات نمی‌کنند، آزاد کنید ولی بقیه را نگه دارید، مخصوصا کسانی را که اهانت به مقام سلطنت می‌کنند.^۱



در حالی که امت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی(س) مبارزه جدی علیه رژیم فاسد شاه را آغاز کرده بودند رهبر انجمن حجتیه، امام را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد که چه کسی مسئول این همه خون‌های به هدر رفته است؟



نتیجه کسب تکلیف از چنین فردی، مشخص است که همراه با نظر رهبری انقلاب نخواهد بود. لذا انجمن به دنبال مشروعیت بخشیدن به عمل خود بود. در زمانی که مردم مسلمان در خیابان‌ها توسط رژیم شاه به خاک و خون کشیده می‌شدند، انجمن پروانه ادامه فعالیت خود را با تصویب مقامات رژیم تمدید می‌کند. انجمن با احساس فعالیت فردی از اعضا علیه رژیم، او را بلادرنگ اخراج می‌کرد. مهندس طیب از مسئولان سابق انجمن می‌گوید:

با روی کار آمدن شریف امامی در ۱۹ رمضان ۱۳۵۷ تعداد از اینان حرکت دیگری را در برابر امت قهرمان ایجاد کرده و راه افتادند و گفتند: این ملازاده است این آخوندزاده است. آیت‌الله‌زاده است. این از بیت سلطان‌العلماست. دیگر کارها درست می‌شود حالا چه می‌گویید.^۲



۱. حمید روحانی، شریعتمداری در دادگاه تاریخ، به نقل از: لخگری، همان، ص ۵۶.
۲. روزنامه صبح آزادگان (۲۷/بهمن/۱۳۶۰).

اما تمام سنگ اندازی‌ها و مخالفت کردن‌های انجمن، نتوانست انقلاب را از مسیر نهایی‌اش منحرف کند بلکه عده‌ای از اعضای انجمن هم با انقلاب اسلامی همراه شدند و انقلاب اسلامی با رهبری هوشمندانه امام(س)، لطف و عنایت خداوند و به همت مردم به پیروزی رسید.

◆ انجمن حجتیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی انجمن حجتیه که در حیرت پیروزی انقلاب اسلامی بود تضعیف شد زیرا آنها اعتقادی به پیروزی انقلاب اسلامی نداشتند، لذا پنج شش ماه در حالت تردید بودند. انجمنی‌ها که تا واپسین روزهای پیروزی انقلاب می‌گفتند امام سیزدهم در پاریس نشسته و مردم را جلوی گلوله می‌فرستد در نیمه شعبان سال اول انقلاب عکس همه مراجع را زد و بعد از چند ماهی به تأییدات خود از رهبر انقلاب اشاراتی داشت و خود آقای حلبی از مضامینی چون عظیم‌الشأن و رهبر کبیر برای امام خمینی(س) استفاده کرد.^۱ وقتی انجمنی‌ها به موضع انفعال افتادند نیروهای تربیت شده در انجمن، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. از دسته اول برخی مانند آقای پرورش، دکتر صادقی، استاد دانشکده الهیات مشهد، عبدالکریمی، استاد دانشگاه مشهد، مهندس مصحف و بسیاری دیگر به انقلاب پیوستند. در میان اینان، جوانانی نیز حضور داشتند که دست کم چند سالی انجمن را تجربه کرده و به صف انقلابیان پیوسته بودند. برخی نیز مانند آقای طیب که مسئولیت برگزاری مراسم سخنرانی‌ها را در تهران بر عهده داشت، نه تنها به انقلابیان پیوستند، بلکه به نوعی در برابر انجمن هم قرار گرفتند.

۲. دسته دوم در برابر انقلاب بی‌تفاوت ماندند.

۱. سخنرانی آقای پرورش، به نقل از: باقی، همان، ص ۶۲.

۳. دسته سوم به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند.^۱ انجمن پنج ماه پس از پیروزی انقلاب، مبادرت به تجدید نظر و اصلاحاتی در اساسنامه‌اش با افزودن تبصره‌ها و متمم‌هایی نمود که در شرایط انقلاب، قادر باشد گاه به میخ و گاه به نعل بزند و دوپهلوی موضع بگیرد. مثلاً اگر در مواردی از آنها انتقاد می‌شود، فوراً شاهد خود را که متمم اساسنامه است به رخ می‌کشیدند که بلی ما مطابق اساسنامه‌مان مطیع و فرمانبردار رهبر عالیقدر انقلاب حضرت امام خمینی(س) و آماده خدمت به ارگان‌ها و نهادها و... و معتقد به ولایت فقیه و کذا و کذا هستیم.^۲ همزمان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجمنی‌ها سعی کردند در مراکز مهم دولتی نفوذ کنند. در زمان حاکمیت دولت موقت اکثر افراد نفوذی انجمن که از نظر فکری و عملی هماهنگ با بازرگان بودند، در پست‌ها مستقر شدند و به تدریج توسط خودشان افراد دیگر انجمن را وارد ارگان‌ها و نهادهای انقلاب، حزب جمهوری اسلامی، جهاد، سپاه، دادگاه‌های انقلاب، فرمانداری‌ها، آموزش و پرورش و... نموده و آنان نیز برای القا طرز تلقی‌شان از اسلام، تلاش می‌کردند. از مراکز مهم دیگری که به طور چشم‌گیر افراد انجمن توانستند در آن نفوذ کنند مراکز اطلاعاتی کشور بود. کلیه مدارک و اسنادی که پرده از ماهیت واقعی و روابط انجمن با ساواک برمی‌داشت، سریعاً نابود شد و بقیه اسناد جمع‌آوری شده را هم در اختیار دیگر ارگان‌ها نمی‌گذاشتند. آیت‌الله جنتی در این رابطه گفت:

علت اصرار شما دایر بر این که در مراکز اطلاعاتی نفوذ کنید و اطلاعات جمع‌آوری شده را به مراکز بهره‌وری و به ارگان‌های انقلابی نمی‌دهید چیست؟ چرا؟ مگر سپاه یا ارگان‌های مشابه نباید دارای آن اطلاعات باشند تا ضدانقلاب را پی‌گیری نمایند؟ چرا با سپاه به صورت کامل همکاری ندارید؟^۳

با نفوذ انجمن حجّتیّه در مراکز اطلاعاتی، به خصوص مرکز اسناد ملی، امام خمینی(س)

۱. علیانسیب و علوی نیک، همان، ص ۲۸.

۲. باقی، همان، ص ۷۳.

۳. به نقل از: اخگری، همان، ص ۶۲ و ۶۳.

متوجه این خطر شده و خود شخصا در سال ۱۳۶۲ مسئول مرکز اسناد ملی را تعویض نمودند. در همین سال، انتشار کتابی با عنوان «در شناخت حزب قاعدین» ضربه سختی بر انجمن وارد کرد. این کتاب پیش از آن، به صورت بخش بخش در روزنامه اطلاعات به چاپ می‌رسید، زمانی که کتاب در تیراژی بالغ بر هشتاد و هشت هزار جلد به چاپ رسید ضربه‌ای سهمگین بر انجمن وارد آمد.^۱

◆ مبارزه با مارکسیسم به جای بهائیت



با پیروزی انقلاب اسلامی انجمن حجتیه که در حیرت پیروزی انقلاب اسلامی بود تضعیف شد زیرا آنها اعتقادی به پیروزی انقلاب اسلامی نداشتند، لذا پنج شش ماه در حالت تردید بودند.

یکی دیگر از خط‌مشی‌های انجمن حجتیه بعد از پیروزی انقلاب جایگزینی مبارزه با مارکسیسم به جای بهائیت بود. هر چند سعی می‌کردند تا دو سه سال بعد از انقلاب همچنان خطر بهائیت را زنده نگه‌دارند ولی اهتمام اصلی خود را معطوف به مارکسیسم کردند و در کلاس‌های آموزشی خود مارکسیسم را نقد می‌کردند، این در حالی بود که حداقل

به خطر و خسران فرهنگ غرب که تا مغز استخوان دانشگاه‌ها، مراکز تربیتی، ادارت و جامعه رسوخ کرده بود بی‌توجه بودند و مارکسیسم را مسئله اصلی نشان می‌دادند.^۲ حضرت آیت‌الله جنتی در این رابطه می‌گویند:

دلیل اینکه تکیه‌تان روی ضدانقلاب چپ است و از ضدانقلاب راست غفلت می‌ورزید

۱. رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۳۷۵.

۲. باقی، همان، ص ۹۶.

چیست؟ مگر امام امریکا را شیطان بزرگ نخواندند، مگر ما گرفتار امریکا در نیم‌قرن اخیر نبوده‌ایم؟ در حالی‌که شعار ما نه شرقی، نه غربی است چرا شعار نه غربی را ول کرده‌ایم و شعار نه شرقی را چسبیده‌اید با اینکه ما تأیید می‌کنیم هر دو برای جامعه بشریت خطر است.^۱

دکتر محمدرضا سیاهی نیز در این باره نقل می‌کند:

در سال ۱۳۵۹ با یکی از اعضای انجمن ملاقات داشتیم که به همان تغییر رویه انجمن از مبارزه با بهائیت به مبارزه با مارکسیسم اشاره می‌کرد. می‌گفت که: «امروز مبارزه با مارکسیسم در اولویت برنامه ماست.» در واقع این هدف اشتباهی بود و با رشد انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام کمونیستی شوروی، بطلان این مکتب الحادی بر همه آشکار گردید.^۲

به همین جهت، انجمن حجّتیّه در مجموع کوچک‌ترین موضع منفی در قبال جریان بنی‌صدر، جبهه ملی، تظاهرات ۲۵ خرداد آنان، حزب خلق مسلمان که حامی‌اش شریعتمداری بود و... اتخاذ نکرد و حتی پس از اینکه شریعتمداری از مرجعیت ساقط شد در اعلامیه‌ای که جهت محکومیت توطئه مشترک قطب‌زاده _ شریعتمداری پخش کردند بدون اینکه نامی ببرند، گروهی به نام عوامل فاسد روحانی‌نما را محکوم کردند و در قبال بنی‌صدر هم تا آخرین لحظات که با همیاری ضدانقلابیان چپ و راست دیگر، آشوب‌های خیابانی برپا می‌کردند، هیچ‌گونه جبهه‌گیری و مخالفت نکرد؛ اما پس از آنکه بنی‌صدر به عنوان یک تکیه‌گاه ضدانقلاب، از مقام رسمی عزل شد و کار به اتمام رسید و انجمن شکست قطعی خط کفر غرب، علیه خط امام را رؤیت کرد دیگر علاج و گریزی جز محکوم کردن بنی‌صدر نیافت و اطلاعیه‌ای صادر و بنی‌صدر را خودفروخته خواند.^۳

۱. کیهان ش ۱۱۴۲۲، (۱۰ آبان ۱۳۶۰): ص ۲.

۲. مصاحبه با دکتر محمدرضا سیاهی ۱۳۸۵، به نقل از: علیاناسب و علوی‌نیک، همان، ص ۳۰.

۳. باقی، همان، ص ۸۶.

◆ انجمن حجتیه و جنگ تحمیلی

انجمن در ابتدا که عراق به ایران حمله کرد هیچ‌گونه عکس‌العملی مانند کلیه گروه‌ها و مجامع بین‌المللی از خود نشان نداد و پس از مدتی با همان دلایلی که علیه نظام وابسته رژیم شاه، مبارزه نکردند و حتی با آن سازش و در مواردی همکاری داشتند، شروع به محکوم کردن جنگ در زمان غیبت امام زمان(عج) کردند و آقای حلبی در سخنرانی خود گفت:

اول شما یک افسر و یک پیشوا و رهبر معصوم پیدا کنید. رهبری که بتواند اداره اجتماع کند روی نقطه عصمت نه عدالت، دیشب گفتم اول او را پیدا کنید او را اقامه به کار بکنید. طرح داشته باشید، نقشه صحیح طبق نظر دین، رهبر معصوم داشته باشید... از من هم واجب است منبر را ول کنم، هفت تیر به کمر ببندم، بروم جلو... این کلمات علی جایش آنجاست نه هرجایی، نه به هر هدف غلطی و هر راه کجی و معوجی و خلافی... باید جنگ روی موازین دین به رهبری معصوم نه عادل، عادل کافی نیست... عادل گاهی اشتباه می‌کند، خون مردم، مال مردم، عرض مردم، ناموس مردم را نمی‌توان داد به کسی که خطا می‌کند.^۱

این در حالی بود که بر اساس گفته صریح امام خمینی(س) در کتاب ولایت فقیه بین اختیارات حضرت رسول با ولی فقیه تفاوتی نبود در عین حال که فضائل رسول الله را برتر و بالاتر از امام معصوم و ولی فقیه می‌دانست.

حلبی حتی گستاخی را تا آنجا ادامه داد که گفت امام زمان(عج) هم که بیاید خودش جلوتر از همه در لشکر حرکت می‌کند. او بدون توجه به اهمیت جان امام امت برای نظام جمهوری اسلامی، بدون توجه به کهنسالی او و بدون نگاه به جنگ مدرن گفت: «بنده توی خانه‌ام بنشینم، پلو بخورم، به جناب آقا بگویم برو میدان، می‌گوید، برو آقا دنبال کار خودت خیلی خوب است،

۱. سخنرانی تحت عنوان: «نظام در اسلام» به نقل از: اخگری، همان، ص ۷۹.

خودت بیا عمل بکن...»^۱

از مراکز مهم دیگری که به طور چشم‌گیر افراد انجمن توانستند در آن نفوذ کنند مراکز اطلاعاتی کشور بود. کلیه مدارک و اسنادی که پرده از ماهیت واقعی و روابط انجمن با ساواک برمی‌داشت، سریعاً نابود شد.

انجمن حجتیه که در این زمان چهره‌ای منافقانه از خود به نمایش گذاشته بود به رغم سخنان صریح سردمدار خود، برای آن که در مقابل سیل علاقمندان به امام امت و ولی فقیه تاب مقاومت داشته باشد، همیشه خود را حامی انقلاب معرفی می‌کرد و حتی در مهر ۱۳۶۰ اقدام به انتشار ویژه‌نامه‌ای با نام مرزبانان به

مناسبت هفته جنگ کرد و اعلام نمود که تمامی توان خود را در همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و فکری در این راه نهاده است و عزیزانی از پاسداران حریم ولایت امام عصر(ارواحنا فداه) را به جبهه‌های حق علیه باطل گسیل داشته است و حتی آمادگی انجمن را برای ادامه همکاری تا پیروزی کامل حق بر باطل اعلام نمود. بی‌تردید انگیزه انتشار این ویژه‌نامه پاسخ‌گویی به اتهامات مخالفان و منتقدان انجمن حجتیه بود و این مجموعه، اگر چه بر حضور فعال برخی از عناصر رده‌های میانی در جبهه‌های جنگ دلالت می‌کرد اما می‌بایست توجه داشت که پیرامون این مسئله، انتقاداتی جدی بر جنگ از سوی اعضای اصلی انجمن از جمله شبه‌ناک بودن جنگیدن دو ملت مسلمان در کنار یکدیگر بود.^۲

◆ تعطیلی انجمن

همه اقدامات طرفداران انجمن در برابر نظریات امام خمینی(س) رنگ باخت و یک اشاره

۱. همان، ص ۸۱.

۲. علیانسیب و علوی‌نیک، همان، ص ۱۷۵.

ضمنی از ایشان کافی بود که مسئول انجمن خود تعطیلی انجمن و البته نه انحلال آن را اعلام کند. با بروز اختلافات بین افراد حجتیه و طرفداران دولت در سبزوار، کار به زد و خورد نظامی کشید که نتیجه آن کشته و زخمی شدن عده‌ای از طرفین بود. در شهرهای دیگر مثل بوشهر، اصفهان و کرمانشاه هم اختلافات به تظاهرات و زد و خوردهای خیابانی منجر شد. انجمن آن قدر در کارشکنی و تبلیغات مغرضانه خود به روش‌های مختلف ادامه داد تا امام امت در عید فطر سال ۱۳۶۲ خطاب به انجمن فرمودند:

یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذاری که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد ما معصیت می‌کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید، این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید. این دسته‌بندی‌ها را بردارید. در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.^۱

انجمن حجتیه پس از گذراندن مراحل مختلف، سرانجام در مرداد سال ۶۲ پس از اشاره به بیانات امام درباره عملکرد مغایر با اهداف نظام جمهوری اسلامی به ظاهر، تعطیلی فعالیت‌های خود را با انتشار بیانیه زیر اعلام می‌دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

اعضای محترم انجمن حجتیه مهدویه، خدمتگزاران آستان مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداه
با ابلاغ سلام و تقدیم مراتب مودت به اطلاع می‌رساند: روز سه شنبه ۲۱ تیرماه جاری (عید سعید فطر) رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی حضرت نایب‌الامام آیت‌الله العظمی امام خمینی (مدظله‌العالی) در بخشی از بیانات مبسوطه خویش فرمودند: «یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید، حضرت

صاحب مگر برای چی می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید، این دسته‌بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملی هستید. این دسته‌بندی‌ها را بردارید. در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پایتان خواهد شکست.» در پی این فرمایش، شایع شد که طرف خطاب و امر مبارک این انجمن است. اگرچه به هیچ‌وجه افراد انجمن را مصداق مقدمه بیان فوق نیافته و نمی‌یابیم و در ایام گذشته به ویژه از زمانی که حضرت ایشان با صدور اجازه مصرف انجمن از سهم امام(ع) این خدمات دینی و فرهنگی را تأیید فرموده بودند، هیچ دلیل روشن و شاهد مسلمی که دلالت بر صراحت معظم‌له، به تعطیل انجمن نماید در دست نبود مع‌ذک در مقام استفسار برآمدیم. البته تماس مستقیم میسر نبود. لیکن برای تحقیق از مجاری ممکنه و شخصیت‌های محترمه موثقه و بنا به فراین کافیه محرز شد که مخاطب امام «معظم‌له» این انجمن می‌باشد؛ لذا موضوع توسط مسئولان انجمن به عرض مؤسسه معظم و استاد مکرم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حلبی (دامت برکاته) رسید و فرمودند: «در چنین حالتی وظیفه شرعی در ادامه فعالیت نیست. کلیه جلسه‌ها و برنامه‌ها باید تعطیل شود.» علی‌هذا همان‌گونه که بارها کتبا و شفاهاً تصریح کرده بودیم بر اساس عقیده دینی و تکلیف شرعی خود، تبعیت از مقام معظم رهبری و مرجعیت، حفظ وحدت یکپارچگی امت و رعایت مصالح عالیه مملکت و ممانعت از سوء استفاده دستگاه‌های تبلیغاتی بیگانه و دفع غرض‌ورزی دشمنان اسلام را برای ادامه خدمات و فعالیت مقدم دانسته، اعلام می‌داریم که از این تاریخ تمامی جلسات و خدمات انجمن تعطیل می‌باشد و هیچ‌یک مجاز نیست تحت عنوان این انجمن، کوچک‌ترین فعالیت بکنند و اظهارنظر یا عملی مغایر تعطیلی نمایند که یقیناً در پیشگاه خدای متعال و امام زمان «سلام‌الله علیه» مسئول خواهد بود. با این امید که تلاش‌ها و کوشش‌های صادقانه انجمن در سی‌ساله اخیر مقبول ساحت قدس الهی و مرضی خاطر مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه قرار گرفته باشد.

از خدای متعال عزت و سربلندی مسلمانان به ویژه شیعیان اثنی عشری و ذلت و سرافکندگی کافران و منافقان و طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام را خواستاریم.

انجمن خیریه حجتیه مهدویه

دوازدهم شوال ۱۴۰۳، پنجم مردادماه ۱۳۶۲^۱

◆ انجمن حجتیه پس از تعطیلی

تعطیلی ظاهری انجمن حجتیه در سال ۱۳۶۲ موجب شد که نام این تشکیلات تا مدت زیادی از ادبیات سیاسی جامعه ما حذف شود اما همان طور که پیش‌بینی می‌شد تلاش‌های این گروه در جهت اهداف آشکار و پنهان ادامه یافت.

یکی از تحرکات اخیر انجمن حجتیه دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی بود و این بار انجمن حجتیه به جای بهائیت و مارکسیسم مذهب سنی را هدف قرار داد. در زمستان سال ۱۳۸۱، انتشار خبر فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه انجمن حجتیه در مناطق سنی‌نشین کشور، بحث درباره ماهیت این تشکیلات را بار دیگر نقل



یکی از تحرکات اخیر انجمن حجتیه دامن زدن به اختلاف بین شیعه و سنی بود و این بار انجمن حجتیه به جای بهائیت و مارکسیسم مذهب سنی را هدف قرار داد.



محافل سیاسی جامعه ما کرد این موج تبلیغات با تحریکات متعصبان اهل سنت علیه شیعیان همراه شده و فضای عمومی در مناطق سنی‌نشین را به گونه‌ای رقم زده است که طیف لاییک و

سکولار اهل سنت نیز به گرایش‌های ضدشیعی پیوسته‌اند.^۱ پس از انتشار کتابی با عنوان «حقیقت وحدت در دین» نوشته فردی به نام یعسوب‌الدین رستگاری جویباری که به واکنش‌های شدیدی در میان علمای اهل سنت منجر شد؛ چاپ و توزیع این کتاب‌ها که با طرح جعلی «چاپ بیروت» بدون مجوز در قم انجام می‌شد در کشورهای عربی، پیامدهای نامناسبی به همراه داشته است.

به نظر می‌رسید شبکه القاعده و انجمن حجتیه به صورت خاص و طیف‌های تندرو و متعصب شیعه و سنی، به صورت عمومی، بر دامن زدن به اختلافات این دو مذهب اسلامی اصرار دارند، که روندی بسیار خطرناک به شمار می‌رود.^۲ برخی افراد، اقداماتی از قبیل انتشار اعلامیه‌ها و نوشتن شعارهایی مبنی بر حقانیت امیرالمؤمنین(ع) و اهانت به خلفای سه‌گانه و نكوهش عملکرد برادران اهل تسنن مبنی بر انتخاب مسلکی غیر از مذهب شیعی را دال بر تجدید فعالیت انجمن می‌دانند.^۳ این در حالی است که سرویس‌های اطلاعاتی استخبار جهانی نیز اکنون خط تفرقه بین شیعیان و اهل سنت را دنبال می‌کنند. لذا این حرکت ریختن آب به آسیاب دشمن قلمداد می‌گردد.

ترویج نمایندگی حضرت قائم و ملاقات با ایشان، ترور مسببان تأخیر در ظهور امام زمان توسط گروه مهدویت با رهبری سید محمدحسین میلانی، واجب دانستن دعای تعجیل در فرج امام زمان مثل نمازهای یومیه و گناه کبیره دانستن ترک آن، از دیگر تحرکات اخیر انجمن حجتیه می‌باشد.

اکنون برای آنکه بتوانیم تفکرات و عقاید انجمن حجتیه را بهتر بشناسیم لازم است به طور اجمال رئوس عقاید و تفکرات آنها را ذکر نماییم.

۱. علیانصب و علوی‌نیک، همان، ص ۱۷۵.

۲. بازتاب (۱۳۸۳/۲/۶).

۳. فتاح غلامی، مدعیات مهدویت، القاعده ایران در سایت بازتاب (۸۲/۴/۱).

♦ مهم‌ترین ابعاد فکری و اندیشه‌ای انجمن حجتیه

شاید بررسی عملکرد انجمن حجتیه قبل و بعد از انقلاب تا حدود زیادی ما را با افکار و اندیشه‌های آنها آشنا کرده باشد، در اینجا لازم است یک جمع‌بندی کلی از آرا و اندیشه‌های آنها داشته باشیم تا از این زاویه نیز بهتر بتوانیم انجمن را بشناسیم. این عقاید و اندیشه‌ها شاخصه مناسبی است تا بتوانیم رفتار هر کس یا گروه را با آن بسنجیم. اگر فرد یا گروهی هم‌اکنون از این عقاید و اندیشه‌ها پیروی می‌کند خواسته یا ناخواسته همان خطی را دنبال می‌کند که انجمن حجتیه طی سالیان گذشته در پی آن رفته است.

(۱) جدایی دین از سیاست

ترویج نمایندگی حضرت قائم و ملاقات با ایشان، ترور مسببان تأخیر در ظهور امام زمان توسط گروه مهدویت با رهبری سید محمدحسین میلانی، واجب دانستن دعای تعجیل در فرج امام زمان مثل نمازهای یومیه و گناه کبیره دانستن ترک آن، از دیگر تحرکات اخیر انجمن حجتیه می‌باشد.

به جز سکولارهای غربزده که همواره خواهان جدایی دین از سیاست بوده‌اند متحجرانی چون انجمن حجتیه هم از این اندیشه دفاع کرده‌اند انجمنی‌ها در زمان رژیم فاسد و طاغوتی شاه به جای آنکه سرچشمه فساد را نابود سازند به دنبال تعطیلی یک مشروب‌فروشی و یا یک خانه فساد بودند و وارد مبارزه سیاسی نمی‌شدند، در حالی که مدارس، دانشگاه‌ها، سینماها، رادیو و تلویزیون و خیابان‌ها مردم را به فساد دعوت می‌کردند و به دلیل فساد حکومت، جامعه فاسد شده

بود، تعطیلی فلان خانه فساد چه دردی را دوا می‌کرد؟ در حالی که امام خمینی (س) دست روی

مرکز فساد گذاشت و در راه نابودی آن گام برداشت و با نابودی آن کل فضای جامعه دگرگون شد.

این در حالی بود که انجمن حجتیه نه تنها با امام(س) همراه نشد بلکه عملاً در مسیری حرکت کرد که مورد رضایت و حمایت طاغوت قرار گرفت. انجمن در جذب جوانان مذهبی، بی تفاوتی با آوردن آنها نسبت به مسائل روز جامعه، مشغولیت ذهنی و فکری آنان در مبارزه با بهائیت، در حقیقت همان اهداف استعمارگران را که عدم مداخله مسلمانان در سیاست و فقط فراگیری احکام فردی بود را به اجرا گذاشت. انجمن با جا انداختن مسئله جدایی دین از سیاست و عدم مداخله مسلمانان و روحانیان در سیاست و مشغول کردن جوانان مذهبی، آرامشی را که رژیم برای چپاول ثروت‌های ملت احتیاج داشت، به او داد.

انجمن حجتیه در فصل یکم، ماده دوم، تبصره دوم اساسنامه انجمن تصویب کرد که:

انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد انجمن صورت گیرد بر عهده نخواهد داشت.^۱

به همین دلیل انجمن اگر می‌دید عضوی از آنها فعالیت سیاسی می‌کند عذر او را می‌خواستند. امام امت (رضوان الله تعالی علیه) این اندیشه غلط جدایی دین از سیاست را خوب شناختند و فرمودند:

هر وقت آدمی پیدا شد، یا او را کشتند یا زندانی و تبعیدش کردند یا لکه‌دارش کردند که سیاسی است این آخوند سیاسی است. پیغمبر(ص) هم سیاسی بود. این تبلیغ سوء را عمال سیاسی استعمار می‌کنند تا شما را از سیاست کنار بزنند و از دخالت در امور اجتماعی باز دارند و نگذارند با دولت‌های خائن و سیاست‌های ضدملی و ضداستعماری مبارزه کنید و آنها هر کاری می‌خواهند بکنند و هر غلطی می‌خواهند بکنند، کسی نباشد

جلوی آنها را بگیرد.^۱

به هر ترتیب، انجمن نه تنها در غیبت امام زمان(عج) قائل به تشکیل حکومت نمی‌باشد و از آن دفاع نمی‌کند بلکه، عملاً در خدمت طاغوت قرار می‌گیرد. این در حالی است که برابر روایات فراوان برای مهیا شدن شرایط ظهور حضرت بایستی مردم مستعد اجرای احکام شوند و با اهل باطل پیکار کرده باشند و در نتیجه برای آمادگی مردم بدون هیچ تردید نیاز به حکومت اسلامی داریم.

۲) تمسک به مرجعیت برای تضعیف ولایت فقیه

از آنجا که انجمن حجتیه با تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام عصر(عج) مخالف است عملاً ولایت فقیه را قبول ندارد. چه قبل و چه بعد از انقلاب، انجمن همواره سعی کرد با برجسته نشان دادن مرجعیت، رهبری انقلاب را تضعیف نماید. آنها تلاش کردند با محور دانستن مرجعیت آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خویی، مرجعیت را در برابر ولی فقیه قرار دهند و بعد از انقلاب، مسئله بودن رهبر سیاسی واحد در کنار مرجعیت را مطرح کردند. انجمن به ولایت عامه مراجع در مقابل ولایت فقیه معتقد است؛ یعنی همه مجتهدان ولایت دارند و فقیه اعلم در میان آنان وظیفه‌اش نظارت بر جریان امور است، انجمن حجتیه دست از منزوی کردن ولایت فقیه برداشت تا آنکه ولایت فقیه در مجلس خبرگان به رغم کارشکنی‌ها به تصویب رسید.

آنها در کتاب «به سوی نور» به طور مفصل در وظایف نائبان فقیه بحث کرده و بر عدم دخالت او، حتی در موقع اضطرار در کلیه مسائل اعم از عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی تأکید می‌کنند و کمترین اختیاری را برای مسئله حکومت و اختیارات ولی فقیه قائل نمی‌شوند و حتی جهت لوٹ کردن قانون اساسی و خارج نمودن امور حکومت و انقلاب از

دست امام امت، پیشنهاد انتصاب نماینده از طرف مراجع درجه اول در شورای نگهبان را مطرح می‌کنند تا به این ترتیب به واسطه همفکران، در شورای نمایندگان مراجع، اعمال نفوذ و نظر بکنند.^۱

انجمنی‌ها همواره دلایل سکوت خود و عدم شرکت در مبارزات را تقلید از فلان مرجع تقلید می‌دانستند. سید عباس نبوی درباره انجمن حجتیه و مرجع تقلید می‌گوید:

انجمنی‌ها از اسم امام می‌ترسیدند همیشه می‌گفتند اسم امام را مطلقاً نبرید خودشان هم نمی‌بردند... افرادی که من از بدنه این جریان می‌شناسم هیچ‌وقت نام او را به عنوان امام ذکر نکردند همیشه تعبیر به آقای خمینی می‌کردند... ساواک از آنها خواست: آقا مرجعی را که می‌خواهی معرفی کنی از ایران بیرون ببرید و اینکه آقای خمینی را معرفی نکنید.^۲ لذا با فوت آیت‌الله حکیم و تلگراف شاه به مرحوم آیت‌الله خویی، شیخ محمود حلبی هم همگام با شاه و با همان شیوه مرجعیت را به خارج از ایران منتقل کرد.

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم از آنجا که اعضای انجمن حجتیه خود، آدم‌های مبارز و سیاسی نیستند همواره سعی کردند به طرف مراجعی بروند که اولاً کارهای سیاسی انجام ندهند و در وهله دوم در مقابل ولایت فقیه و رهبری انقلاب قرار داشته باشند.

۳) انتظار از دیدگاه انجمن حجتیه

انجمن حجتیه با اصرار بر اینکه هر کس قبل از قیام امام زمان (عج) اقدامی جهت اصلاح کار نماید تأخیر در ظهور او ایجاد کرده است، عملاً در خدمت طاغوت قرار گرفتند انجمن سعی دارد با استناد و با تحریف معنی روایتی از امام صادق (ع)، حرکت خود را مذهبی جلوه داده و آن را مشروع نشان دهد. آنها معتقدند امام صادق فرموده است:

تا ظهور امام قائم ما زمانش فرا نرسد خروج نکرده و نخواهد کرد احدی از ما برای دفع

۱. همان، ص ۷۳.

۲. مصاحبه با سید عباس نبوی، ماهنامه سوره، دوره جدید، ش ۴.

ظلم و جور آنها اقامه حق جز آن که مبتلای به قتل و شهادت بشود و هر که قیام کند جز آنکه به غم و اندوه ما و شیعیان بیفزاید کاری از پیش نبرد.

انجمن با بیان چنین روایاتی، هر کسی را که علیه رژیم شاه اقدام می‌کرد منکوب می‌نمود و او را خارج از دین قلمداد می‌کرد تا همگان امر برایشان مسلم شود که جهت ظهور امام زمان(عج) باید با حکام ستمگر ساخت و با رژیم سازش کرد تا ظهورش به تأخیر نیفتد. امام خمینی(س) در این باره می‌فرماید:

ممکن است هزاران روایات را نشر بدهند که از عمال ظلمه و آخوندهای درباری در تعریف سلاطین جعل شده است. به طوری که ملاحظه می‌کنید با دو روایات ضعیف چه بساطی راه انداخته‌اند و آن را در مقابل قرآن قرار داده‌اند قرآنی که جدیت دارد بر ضد سلاطین قیام کنید و موسی را به قیام علیه سلاطین وامی‌دارد علاوه بر قرآن مجید، روایات بسیاری درباره مبارزه با ستمگرن و کسانی که در دین تصرف می‌کنند وارد شده است. تنبل‌ها اینها را کنار گذاشته‌اند آن دو روایت ضعیف را که شاید وعاظ سلاطین جعل کرده اند در دست گرفته مستند قرار داده‌اند که باید با سلاطین ساخت و درباری شد اگر اینها اهل روایت و دین‌شناسی بودند به روایات بسیاری که بر ضد ظلم است عمل می‌کردند و اگر اهل روایت هم هستند باز عدالت ندارند.^۱

در واقع، از دید مؤمنان انقلابی، بسیج مستضعفان و از نگاه اسلام انقلابی، انتظار، یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است. اسلام انقلابی تحرک را در پی دارد و رکود را مخرب می‌داند. اما اسلام امریکایی از زیر بار مسئولیت‌ها فرار می‌کند. انتظار در نزد انجمن حجتیه افیون‌گر است، به جای آنکه بیدار کننده باشد و در دیدگاه قاعدین زمان - در زمان غیبت ولی عصر(عج) - اعتماد، رکون و وابستگی به طاغوت نفی نشده است.

◆ دولت نهم و انجمن حجتیه

با حضور آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد در شهرداری تهران و به خصوص با شروع انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم، محافلی خاص اعلام کردند که دوره جدیدی از فعالیت انجمن حجتیه در دستگاه‌های دولتی آغاز شده است. این در حالی بود که همین گروه‌های خاص با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی و انتصاب محمدعلی ابطحی پسر سید حسن ابطحی در مقام معاونت حقوقی و ریاست دفتری رئیس‌جمهور از خود هیچ واکنشی نشان نداده بودند. شایان ذکر است با درگذشت شیخ محمود حلبی، سید حسن ابطحی جانشین ایشان شد و هواداران واقعی انجمن هم موضعی در برابر ابطحی نگرفتند و عملاً او را پذیرفتند. در این دوره، علیرضا نعمتی از نزدیکان حسن ابطحی و همراهان قدیمی او در نزدیکی مسجد جمکران،

مجله خورشید مکه را منتشر کردند و طرفداران ابطحی را به عنوان سالکان الی الله دانستند که تحت نظارت و مراقبت استاد خویش مراحل سیر و سلوک را طی می‌کردند و هر کس که به نحوی (در خواب یا بیداری) و به زعم خود، به امام عصر(عج) متصل می‌گشت به عنوان نشانه صحت تعالیم دیده می‌شد. این گروه آزادانه فعالیت خود را پی می‌گرفتند و کسی مانع آنها نمی‌شد. با روی کار

با حضور آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد در شهرداری تهران و به خصوص با شروع انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم، محافلی خاص اعلام کردند که دوره جدیدی از فعالیت انجمن حجتیه در دستگاه‌های دولتی آغاز شده است.

آمدن دولت آقای احمدی‌نژاد این گروه با محدودیت‌هایی روبه‌رو شدند و سرانجام در یکی از روزهای اواخر خرداد ۱۳۸۵، سید حسن ابطحی و فرزندش سید محمدتقی (یعنی پدر و برادر

معاون رئیس‌جمهور سابق) و عده‌ای از مریدانش دستگیر شدند.^۱

جالب آنجاست که بعضی از همین اصلاح‌طلبان با شروع دولت نهم زنگ خطر را به صدا درآوردند و اعلام کردند که بار دیگر انجمن حجتیه و طرفداران آیت‌الله مصباح یزدی در حال قدرت گرفتن هستند. قبل از انتخابات ریاست جمهوری در مقاله‌ای با عنوان «اسلام امام به نزاع هاشمی آمده است یا اسلام حجتیه»، می‌نویسد که اسلام حجتیه است که در برابر آقای هاشمی قرار گرفته است، آقای احمدی‌نژاد از طریق فعالیت در جنبش دانشجویی به پستی در حد فرمانداری در یکی از استان‌های کشور می‌رسد. استانی که تحت مسئولیت آقای شیخ عطار از سابقه‌داران انجمن حجتیه بود. تا رسیدن به شهرداری تهران از آقای احمدی‌نژاد اسمی نبود اما از دورانی که مهدی چمران یکی دیگر از سابقه‌داران انجمن حجتیه به ریاست شورای شهر تهران انتخاب شد شهردار شدن احمدی نژاد قابل انتظار بود.^۲ یا همچنین درباره دولت نهم نوشته‌اند: آقای احمدی‌نژاد و اعضای کابینه او ادعای آن دارند که در جلسات هیئت دولت امام زمان حاضر است لیست نامزدهای انتخابات را امام زمان تأیید کرده است و برای چاه جمکران بودجه سنگینی تعیین کرده‌اند.^۳ و یا درباره آیت‌الله مصباح یزدی - رئیس و مدیر مدرسه حقانی قم، طرفدار تز ظهور امام و مروج اهداف انجمن حجتیه - گفته‌اند پیشوای آقای احمدی‌نژاد است. خبرگزاری «پیکنت» زیر عنوان دیدار پرمعنی می‌نویسد: برای اولین بار در جمهوری اسلامی گروهی از فرماندهان سپاه سراسر کشور به دیدار آیت‌الله مصباح یزدی رفتند و آیت‌الله مصباح یزدی در این دیدار با اشاره به روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، از فرماندهان می‌خواهد که قدر دولت را بدانند، زیرا تشکیل دولت جدید یک نعمت الهی است و بعد، این خبرگزاری نتیجه می‌گیرد که انجمن حجتیه تا مغز استخوان در ارگان‌های نظامی و امنیتی نفوذ

۱. مقاله‌ای تحت عنوان دوئل دولت مهدوی و حسن ابطحی در www.quomtimes.blogfa.com.

۲. مقاله‌ای تحت عنوان انجمن حجتیه از پیدایش تا امروز در www.roonamehيران.blogfa.com.

۳. همان.

کرده است.^۱ فضای اتهام به دولت نهم تا آن اندازه بود که حتی آقای زادسر، نماینده اصولگرای مجلس هفتم، طی نامه‌ای به آقای احمدی‌نژاد می‌نویسد:

احمدی‌نژاد خود را منتخب امام زمان(ع) می‌داند... از آیت‌الله مصباح یزدی دستور می‌گیرد... حامی و مروج انجمن حجتیه می‌باشد... متحجرین را مورد توجه قرار می‌دهد... مداحان خرافه‌پرور را پر و بال داده است... و مواردی دیگر از این دست که مستقیم و غیرمستقیم طرح و القا می‌کند و غالباً سعی می‌کنند تا خوانندگان خود را به این باور برسانند که امیدشان به رئیس جمهوری و دولت، امیدی ابتر است. جدا تقاضا دارد که به هر نحوی که صلاح می‌دانید یک بار و برای همیشه مواضع اعتقادی و مدیریتی خود و دولت را راجع به چنین مباحثی به استحضار مردم برسانید.^۲

به نظر می‌رسید اتهام و برچسب انجمن برای برخی از دولتمردان و طرفداران آن امری سیاسی و تهمتی نادرست است. چنان که خاطرات و مبارزات برخی از آنها در دوران پیش از انقلاب و سمت‌گیری سیاسی آنها بعد از انقلاب نشانگر تناقض فکری جدی میان ایشان و حجتیه است. برای نمونه می‌توانید به

دولت نهم با توجه به شاخصه‌های فکری انجمن حجتیه هیچ رابطه‌ای با آن ندارد. دولت نهم طرفدار حکومت اسلامی و حامی پروپاقرص ولایت فقیه است.

کتاب «مصباح دوستان» نوشته آقای علیرضا صنعتی مراجعه کنید. اگرچه صرف حضور فردی در جلسات پیش از انقلاب انجمن، به معنای انجمنی بودن ایشان نمی‌باشد. چرا که شخصیت‌های متعددی سراغ داریم که سوابق فعالیت در انجمن داشته‌اند و از انجمن بریده و بر خلاف آنها گام برداشته و در رده‌های بالای حکومت اسلامی خدمت کرده‌اند. همان‌گونه که

۱. پیکنت ۱۳۸۴/۱۱/۵.

۲. گزارش ایلنا، سایت امروز، ۱۳۸۴/۸/۲۵.

مقام معظم رهبری فرمودند:

در میان افرادی که در انجمن هستند، عناصری انقلابی، مؤمن، صادق، دلسوز برای انقلاب، مؤمن به امام و ولایت فقیه و در خدمت کشور و جمهوری اسلامی پیدا شوند، همچنان که افرادی منفی، بدبین، کج فهم، بی اعتقاد و در حال نق زدن و اعتراض هم پیدا می شود.^۱

به دنبال اتهام و برچسب انجمن حجتیه به دولت، غلامحسین الهام، رئیس دفتر رئیس جمهور در خصوص رابطه اعضای دولت احمدی نژاد با انجمن حجتیه گفت: «هیچ ارتباطی بین تفکر دولت نهم که معتقد به حکومت اسلامی و اجرای احکام دین از طریق تشکیل دولت در عصر حضرت حجت (عج) و ولایت فقیه است با انجمن حجتیه وجود ندارد.»^۲ از طرف دیگر، قاسم روانبخش، سردبیر هفته نامه «پرتو سخن» و از شاگردان و طرفداران آیت الله مصباح یزدی طی یادداشتی در روزنامه «سیاست روز» با عنوان «انجمن حجتیه و مدعیان اصلاحات» به نقد سخنان برخی از گروه های سیاسی در ارتباط با دولت دکتر احمدی نژاد می پردازد و می نویسد:

... هرگاه آقای احمدی نژاد نام مبارک امام زمان (عج) را بر زبان جاری می کند می گویند انجمن حجتیه ای است و گمان می کنند جز انجمن حجتیه هیچ کس از امام زمان (عج) دم نمی زند. هنگامی که احمدی نژاد با تشکیل دولت اسلامی، علی وار در صدد اجرای عدالت است، می گویند انجمن حجتیه ای نیست زیرا حجتیه ای ها با تشکیل حکومت پیش از ظهور مخالف اند. به نظر می رسد مدعیان اصلاح طلبی باید عمیق تر بیاندیشند تا با شناخت درست، این جریان را درک کنند که این همان جریان فکری حضرت امام (س) است که مبدأ هویت انقلاب اسلامی را تشکیل می دهد.^۳

آقای زادسر، نماینده اصولگرای مجلس هفتم هم بعد از دیدار خصوصی با آقای احمدی نژاد

۱. به نقل از: علیانسیب و علوی نیک، همان، ص ۱۸۸.

۲. به نقل از: سایت www.afabnews.ir.

۳. به نقل از: خبرگزاری «آینده روشن» با آدرس www.bfnews.ir.

گفت:

از احمدی‌نژاد پرسیدم آیا با انجمن حجّتیّه ارتباط داری و وی در مورد رابطه و عضویتش در انجمن حجّتیّه موضع گرفت. او با تأکید بر اینکه انجمن حجّتیّه به وی نمی‌چسبد از من سؤال کرد که آیا انجمن حجّتیّه‌ای‌ها هیچ‌گاه از عدالت، مبارزه با مفاسد اقتصادی، تبعیض و... سخن می‌گویند؟ و سابقه مبارزه و جهاد دارند؟ و برخوردهای آنها با بنده به این علت است که همه سخنرانی‌هایم را با اللهم عجل لولیک الفرج والنصر و... آغاز می‌کنم و آنها می‌خواهند کسی جرئت نکند در جامعه حرف از امام زمان بزند و قصدشان تخریب دولت در افکار عمومی است.

نماینده جیرفت ادامه داد:

از رئیس جمهور درباره تعامل و رابطه‌اش با آیت‌الله مصباح یزدی پرسیدم و وی گفت: آیت‌الله مصباح یکی از بزرگان دین و شیعه است و رهبر معظم انقلاب از آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان مطهری دوم یاد کردند و من به ایشان به عنوان یکی از بزرگان دین و حوزه احترام می‌گذارم و ارادت دارم و هیچ ارتباط خاصی بین بنده و آیت‌الله مصباح نیست. همه مواضع من برگرفته از اسلام، امام(س) و رهبر معظم انقلاب است و اینجانب ضمن احترام و ارتباط با همه مراجع عظام تقلید و علما با آقای مصباح نیز ارتباط دارم.^۱

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم دولت نهم با توجه به شاخصه‌های فکری انجمن حجّتیّه هیچ رابطه‌ای با آن ندارد. دولت نهم طرفدار حکومت اسلامی و حامی پروپاقرص ولایت فقیه است و مقام معظم رهبری در سخنان خود در آغاز سال ۱۳۸۶، در مشهد از دولت حمایت خاص کرده و از آن به عنوان دولت انقلابی پرتلاش و ارزشی نام بردند. لذا این‌چنین دولتی که در حال مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی است و حامی ولایت فقیه است، نمی‌تواند راه و مسیری را برود که انجمن حجّتیّه ۶۰ سال آن راه را پیمود و با بررسی سوابق انجمن که در این مقاله ذکر

۱. به نقل از: وبلاگ آقای زادسر، با آدرس اینترنتی h.zadsar.ntm.

شده به راحتی می‌توان فهمید که دولت نهم از جنس انجمن حجتیه نیست.

ضمیمه شماره ۱: اساسنامه انجمن حجتیه

مقدمه: به منظور فعالیت‌های علمی و آموزشی و خدمات مفید اجتماعی، با الهام از تعالیم عالیه اسلام و مذهب شیعه جعفری برای پرورش استعداد و تربیت انسان‌های لایق و کاردان و مقید به تقوی و ایمان و اصلاح جهات مادی و معنوی جامعه، مؤسسه‌ای به نام (انجمن خیریه حجتیه مهدویه) به قصد صد در صد غیرانتفاعی به شرح زیر تأسیس می‌شود.

فصل یکم: اسم، موضوع، هدف، مرکز و مدت و دارایی

ماده اول: اسم مؤسسه (انجمن خیریه حجتیه مهدویه) است که این اساسنامه به اختصار انجمن نامیده می‌شود.

ماده دوم: موضوع و هدف: منظور از تشکیل انجمن، اجرای اموری است که ذیلاً شرح داده می‌شود:

تبلیغ دین اسلام و مذهب جعفری و دفاع علمی از آن با رعایت مقتضیات زمان به روش‌های مختلف زیر:

۱- تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی و دینی در نقاط مختلف کشور با رعایت مقررات عمومی

۲- چاپ و پخش جزوات و نشریه‌های علمی و دینی با رعایت قوانین مطبوعاتی کشور

۳- تأسیس کلاسهای تعلیم و تدریس اخلاقی و معارف اسلامی با رعایت مقررات عمومی

۴- ایجاد کتابخانه و قرآنتخانه و اماکن ورزشی با رعایت قوانین مربوطه

۵- انجام امور خیریه عمومی و مساعدت فرهنگی مؤسسات اسلامی و اخذ تماس با مجامع مشابه بین‌المللی با نظر مقامات ذی‌صلاحیت

۶- تدارک جلسات آموزشی به منظور تربیت افراد برای مناظرات و مباحثات علمی، ادبی و مذهبی در محافل

اسلامی با رعایت مقررات

۷- تأسیس هر نوع مؤسسه فرهنگی نظیر دبستان، دبیرستان، مدارس عالیه و پرورشگاه با رعایت قوانین

۸- ایجاد هر نوع مراکز درمانی نظیر بیمارستان و درمانگاه با رعایت مقررات وزارت بهداری

۹- تبصره

تبصره ۱- موضوع و هدف انجمن، ثابت و تا زمان ظهور حضرت بقیه‌الله امام زمان « ارواحنا فدا» لایتغیر خواهد بود اما برنامه‌های آن با توجه به شرایط زمان و نیاز جامعه، می‌تواند بر اساس حفظ هدف ملی و رعایت مقررات این اساسنامه تغییر و با تعدیم شود.

تبصره ۲- انجمن به هیچ‌وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسئولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، بر عهده نخواهد داشت.

ماده ۳- مراکز انجمن در تهران است و صندوق پستی شماره... برای مکاتبات آن در اختیار می‌باشد. در صورت

اقتضا هیأت مؤسس می‌تواند با نظر مقامات ذی‌صلاحیت، نماینده گروه یا شعب انجمن را در تهران یا دیگر نقاط،

اعم از داخل یا خارج کشور دایر نماید و افراد نیکوکار را به نمایندگی انجمن برای اجرای اهداف اساسنامه به

خدمت دعوت کند. (ماهیت ضدانقلابی انجمن حجتیه را بشناسیم، بی‌نا، بی‌تا، ص ۷۹)

